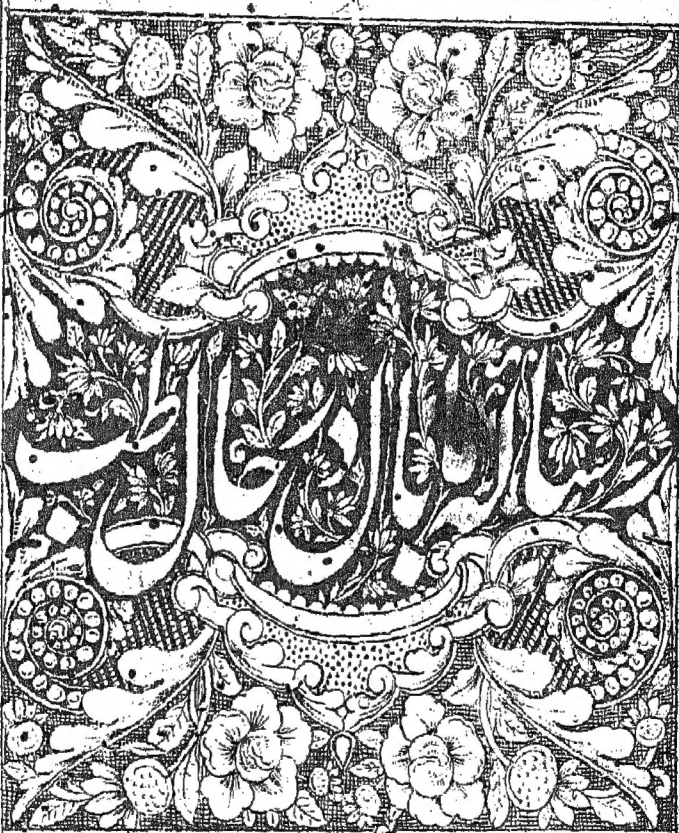


در بیان سیرت و مناقب
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب



مطبع محمد علی مصطفیٰ طبع
در مطبعه محمد خان بیگ

این کتاب را در کتابخانه
 عمومی دانشگاه تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت: ۹۵۲۲
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۲
 شماره قفسه: ۹۵۲۲

CHECKED-290

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE9522

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْقَرِيبِ بِرَحْمَتِهِ ۖ وَالْبَعْدُ بَعْدَهُ ۖ وَ
 الصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ الْأَمِيِّ إِلَى تَوْحِيدِهِ ۖ وَالنَّكَادُ فِي لَيْسَتِهِ
 وَتَجْدِيدِهِ ۖ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الْمُنْتَدِينَ بِأَوْصَالِهِ وَأَدَائِهِ
 أَمَّا بَعْدُ فَعَبْدُ اللَّهِ غَيْرُ خَشِينٍ بِنُورِ غُلَامِ غُوثِ أَحْسَنِ اللَّهِ حَالَهُمَا
 وَجَعَلَ إِلَى تَحْقِيقِ مَالِكِهِمَا ۖ نَوَافِدُ وَهَوْلِ طَلَبِهِ أَزْهَقِصِلَ غُلُومِ غَرِيبِهِ
 وَوَهْنِ وَمُطْلَقِ شَانِ ۖ رَاقِطُ فَنُونِ عَجِيبِهِ فَوَيْسَتُ كَمَا رَسَالَتِي خُذْ وَلِيهِ بِرَحْمَتِهِ
 أَسْتَبِيهِ وَيَكْرِ كَمَا أَزْهَقِصِلَ قُدْرَتِهِ وَرَيْنَ دِيَارِ حُكْمِ كَاغْدُ تَوَسَّادُ كَرْدِهِ
 أَنْدَبُ بَرِيَانِ بَارِسَ كَمَا سَهْلُ سَهْلِ مَقَرِّجِهِ مَبْنُودِهِ كَمَلِ الْبُحَاوَرِ وَبَدِيدِهِ تَحْتِ سَاوِزِهِ
 لَا جَرَمَ رَسَالَةِ ارْطَقُ طَالِيسَ فُلُوسُفِهِ دَاكِرِهِ وَرَبَّانِ نُونَاتِي سَوَالَاتِي خُذْ
 عِلْمَ طَبِيعِي وَطَبِيعَتِ بَرْتِجَرْتِجَةِ آن رَسَالَةِ مَوْسُومِ بَابَالِ وَرَسَالَتِ لِسَانِ عَزِيزِي

این کتاب را در کتابخانه
 عمومی دانشگاه تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت: ۹۵۲۲
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۲
 شماره قفسه: ۹۵۲۲
 این کتاب را در کتابخانه
 عمومی دانشگاه تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت: ۹۵۲۲
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۲
 شماره قفسه: ۹۵۲۲
 این کتاب را در کتابخانه
 عمومی دانشگاه تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت: ۹۵۲۲
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۲
 شماره قفسه: ۹۵۲۲

این کتاب را در کتابخانه
 عمومی دانشگاه تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت: ۹۵۲۲
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۲
 شماره قفسه: ۹۵۲۲

روح زیاده و اطفال مصافی تراست بنا برین اولافاده و ما سرایت
در ششم سوال خصیتین وقت موت حرمت قطع و سبک میشوند
جواب افاده و اعصاب که از آنها روح منحدر میگردد موت
مقطع و سبک میشوند پس انبساط متعلق اند نیز متعلق میکنند
سوال چرا وقت موت منی خارج نمی گردد جواب او غایبی متعلق
و ضیق میشوند از بخت انقباض منی می گردد سوال چرا شقی
با وجودی که شکم وی از آب ممتلی است پوسته آب می طلبد جواب
آبی که مستقی می نشود و مجاری که آنجا احت آب است نافذ نمی گردد
بر مجرای طبیعی بلکه جایی که ضرورت آب نیست ترش می نماید مستقی
را عطش غرض می باشد خاک نشسته است سوال صاحب تشنج بعد
تپ چرا میگرد و جواب بسبب انقباض طوایط فصلیه بر اعصاب تشنج
عارض میگردد و حرارت تپ تحلیس آن رطوبات می نماید ازین رو صبح
می گردد سوال در حمی و رمی شعله چه عارض می شود و جواب حرارت
طبیعی بسبب هرب از خلط مودی متوجه داخل می شود و اجرام عضای
خارجیه سوزنی شوند سوال که بعد بول از راه مثانه سح چرا خارج
میگردد و جواب بسبب متلاهی مثانه مبعای سقیم که مجازی تحت
لوست بند می شود چون مثانه خالی شد منفذ وسیع و کشاده می گردد

۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

در جواب سوالی که در کتاب مذکور است که در وقت موت منی خارج نمی گردد و در جواب سوالی که در وقت موت منی خارج نمی گردد

پس از راه مشابه بسوی خارج می آید سوال ۱۰ موضع بهیق امین خداست
سوزن چراغ

نرسید خط طبع
خون هم سیدی او حلول می کند
ب جی به بعد جمعی باشد چراغ است جواب استخانی که بعد جمعی
بود از یونیت است و غیر مضی است که صلاخ نیز نیست خون پیوست
پیران سوال زخمهای مفصل چراغ و مندرج میشوند جواب
اند مال از گوشت می شود و حجم در مفصل کم است و نیز در مفصل عصب
و غضارت استخوان اند پس تا وقتی که آنها حرکت کنند اتصالات مفصل
صورت نمی بندد و لاخر هم مندرج نمی شوند سوال کسی که در دماغ عصب
او صدمه رسد چراغ با جاتی می کند جواب معده بسبب مشارکت
عصب مشاکم می شود سوال چراغ مردان از جماع ضعیف می شوند
بر خلاف زنان جواب مردان را بسبب جماع استفرغ داده
ب ضرورت می شود و زنان را بضرورت بلکه خود را دوت ماده مقتضی
استفرغ می باشد سوال سبب نیم حیت جواب بخارات لطیف
که از بخار متضاعد میشوند آب گردیده باز می آیند سوال چراغ اسفل
اکثر اهل چشم را عمر می باشد جواب رطوبتی که در اجسام آنها است
ب سبب شدت حرارت شمس بسوی فوق منجذب میشود لا جریم اسفل

چشم را در صورتی که از نور زیاد عصبانیت می آید و در صورتی که از نور کم عصبانیت می آید

در صورتی که از نور زیاد عصبانیت می آید و در صورتی که از نور کم عصبانیت می آید

ایشان لاع^{۱۱} ۱۱. ح از ناره^{۱۲} را شهوت جماع در سرما
روان راه

سبب نسا و مساات سبب
خارجی و در گرا حرارت غریزی می شود و سبب
می آید و آلات تناسل مردان خارج اند ازین سبب گرا خواست جماع
دارند و آلات تناسل زنان در داخل اند ازین جهت در سرما خواست جماع
میکنند سوالی برت با وجود برودت چرا می خورد جواب برت سبب
افراط برودت قوی آفاسدی سازد سوال کسیکه اختلاط ذمین داشته
باشد بنض او چرا صغیر می شود و کسیکه علت شهر داشته باشد بنض او
عظیم می گردد جواب اختلاط ذمین سبب قضا با سودا است این
اختلاط شریانی اصلت بالین میکند و شریان صلب از انبساط
عظیم قاصر است و سهر می شود مگر از بلغم و بلغم سبب رطوبت خود سهر
را ملائم و ستر می میکند و این معنی موجب انبساط عظیم است و هم سهر
در قفس داغ می باشد و از نشان او تعدا است و اختلاط ذمین اگر سبب
ورم اغشیه عارض می گردد لهذا ستم تعدا است و تعدا موجب
صلابت و غرض است سوال کسیکه ران او مقطوع شود چرا
گلهای ستوی میشود و گاهی فی جواب در عمق سیرین باطلی است

سبب نسا و مساات سبب خارجی و در گرا حرارت غریزی می شود و سبب می آید و آلات تناسل مردان خارج اند ازین سبب گرا خواست جماع دارند و آلات تناسل زنان در داخل اند ازین جهت در سرما خواست جماع میکنند

سبب نسا و مساات سبب قضا با سودا است این اختلاط شریانی اصلت بالین میکند و شریان صلب از انبساط عظیم قاصر است و سهر می شود مگر از بلغم و بلغم سبب رطوبت خود سهر را ملائم و ستر می میکند و این معنی موجب انبساط عظیم است و هم سهر در قفس داغ می باشد و از نشان او تعدا است و اختلاط ذمین اگر سبب ورم اغشیه عارض می گردد لهذا ستم تعدا است و تعدا موجب صلابت و غرض است سوال کسیکه ران او مقطوع شود چرا گلهای ستوی میشود و گاهی فی جواب در عمق سیرین باطلی است

ط

سلب حج و عمره پس بترید معده خواهد که کاسه میبض باروت

اسوہ مصحفی
بر مصحفی ابنی افند
میکندہ

برجک

بدون اندام مندرج نمی شود و در این جهت چشم عضو است و سبب طبع و عیله
غلیظ کثیف محیط آن نیست چنانکه در دیگر اجسام است پس سبب طبع و عیله
کثیره و مجتمعه می شود و این جهت محتاج تنقیح و حل است پس سبب انیکه محیط غلیظ کثیف
نیستند محتاج با و کیده می نمایند و سوال مایه های آینه می باشد چون هوای می رسد

جواب مزاج دل باهی سزااست پس محتاج بسوی جذب هوا بگردد
نیست و در دریای غلظت آب هوای قلیل مستشق می شود پس
چون باهی در هوا رسید باهی بار دیگر استنشاق خواهد کرد و باهی
موجب مرگ او خواهد بود و سوال دست راست از دست چپ چرا
قوی تر و پیچم نرمی باشد جواب حرکت دست راست است کثیر است
به نسبت حرکت دست چپ کثیر حرکت غذای کثیر قبول میکنند
این گمانی موجب فریبی ^{چون در دست راست} نمود و اقطار می گردد سوال با قلیل
چرا بر دوش چپ زیاده نهاده میشود به نسبت دوش راست جواب
باین سبب غلظت حرکت متحمل بار قوی می تواند شد چرا که سبب
حرکت از اعصاب او رطوبت کمتر فرا گرفته است ازین سبب قوی

جالبه یعنی پاک
 کشنده و دوزخی
 را ناسند که از
 نشان آن ترکیه
 رطوبت از فروغ
 آفتاب از سطح غصود
 سبب است باشد
 تقاضای اند
 ادویه که مندرجه
 دواها را که از
 سارا از گوشت
 پر کنند و منته
 سبب که در معده
 فروغ از فروغ
 منته که در معده

میباشد سوال بعد خوردن لقمه کلان چرا یکبار عارض می شود جواب
در حالت بلع هوا از خارج بر لطافت اول نخدر می گردد و هر گاه
در معده نارس خود هوا میل بکند خود نموده بالا بر آمدن می خواهد و در
تنی باید بسبب کلانی لقمه پس بلع را گوشش می نماید و او را مانند لیکن
نمی شود و این معنی موجب یک سوال دیگر که از جنس نفس چنان دفع می گردد و جواب
نفس چون خفیس شد در قلبت حرارت خواهد گردید و این معنی موجب
سخنوت معده خواهد شد پس بسبب یکبار زائل خواهد شد سوال
چرا آب چاه در سبک گرم و در کرم سبک می باشد جواب بسبب
برودت سبک حرارت گر خفته یعنی می رود و در کرم سبک می باشد
میل کند و ثقیل آن ناپدید می گردد سوال چون بر اطراف از برودت
خارجیه باشد وقت رسیدن بگرمی آتش چرا متاخر می میشود جواب
در زمانه متصل سوختن مختلف بنمیرسد چنانکه بعضی از حرارت بار و بعضی
ایزوا خارج می رسد و اختلاف مزاج موجب وجع و اید است سوال
در هیچ حالت خاصه در هیچ ناحیه چرا وجع محسوس میشود جواب چون
انگشتان را بعد شدت برودت از آتش گرم می کنند پس وجع بسبب
تفرق اجزای میشود پس بعضی اجزا یعنی چهار منقبض میشوند
بعضی اجزا یعنی بار و منقبض میگردند و در شش لین که در نجا

سوال در کرم از دانه های بر می آید

سوال در علت تشنگی در کرم

منفصل شود کم است از خش و جمع که بسوی شمی صلب مثل ناخن و غیره
 نیز سوال چرا بعضی در ماه ۱۱ از خوردن فلفل کهک عارض
 میگردد و بعضی را عارض نمیشود جواب معده حسن نحاس
 حار می باشد پس حرارت فلفل بخوان آن حرارت می کند پس طبیعت
 از دفع آن قاصر میشود و لاجرم مورت کهک می گردد و بعضی
 مملو از فضلات بلغمیه است پس آنرا از فلفل ایندانی رسد سوال چرا
 بعضی از نباتات در کربا و بعضی در سبوا و جنگلی نباتات در دریا و بیابان
 جواب غذای نباتات در اسافل زمین و در اعالی هوا است و نباتات
 که غلیظ و یا بس باشند غذای او نیز غلیظ و یا بکین میباشد و ظاهر که در
 گرمای زمین مرطوب غلیظ و یا بس میگردد و لاجرم این قسم نباتات در
 گرمای زمین و نباتات که الطف و آرمط اند غذای آن هم آرمط
 الطف است و در موسم سرما زمین و هوا سرد و الطف و آرمط است
 لهذا در سرما اینچنین نباتات اکثری شوند و در بیع جمیع نباتات
 می رویند چرا که هوا رطب و زمین معتدل و حرارت و برودت است
 لاجرم نباتات هر قسم خصوصاً معتدله در آن زمان میرویند
 ثُمَّ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِکِ الْوَهَّابِ وَالْمُجْمُوعُ رِبِّ الْأَرْبَابِ
 أَنْ یَكُونَ هَذِهِ الْوَحْفَةُ مَجْمُوعًا عِنْدَ أُولِ الْأَلْبَابِ وَمَنْ یَتَّقِ اللَّهَ عَلَى

تمام شد این
 کتاب بلاد
 بادشاه پند
 امید از خدای
 خداوند علان
 آنست که شایسته
 این مقصود
 باشد و صاحب
 عقل و سلیقه
 کار خود را بآورد

۲۲۹۹

DUE DATE

۴۱۰

۲۲۹۹

۹۵۲۲

۴۱۰

بابی در حال طب

Date	No.	Date	No.

۹۵۲۲

